

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدري | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنغان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابوحاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

چکیده: موضوع بخش نخست شماره چهاردهم «نوشتگان»، شناسایی چند صورت ناشناخته شناسه‌های فارسی قدیم و بازنگری در تعیین محدوده جغرافیایی کاربرد صورت «سبت» شناسه دوم شخص جمع است. در بخش بعدی، در ضمن قرائت تازه یک فهلوی همدانی، یک شاهد قدیم دیگر از فعل «گو»/«گا» [= خواستن، بایستن] شناسایی شده است که موضوع بخشی از شماره پیشین بود.

کلیدواژه‌ها: شناسه‌های فارسی، فارسی یهودی، شیرازی قدیم، فهلویات، محوی همدانی.

Neveštegān (14)

Milad Bigdeloo

Abstract: The first part of the fourteenth issue of “Neveštegān” examines several previously unidentified forms of early Persian verbal endings and reconsiders the geographic distribution of the second-person plural ending *-yt*. The following section presents a new reading of a Hamadani Fahlavi, through which an additional early attestation of the verb *gū/ga* “to want”, which was explored in the previous issue, has been identified.

Keywords: Persian verbal endings, Judeo-Persian, Old Shirazi, Fahlaviyyat, Mahvi of Hamadan.

۴۴. از اشکال ناشناخته شناسه‌های فارسی

در شماره ۱۰ «نوشتگان» (بخش ۲۸) به دو صورت از شناسه‌های فارسی اشاره شد که در مقاله صادقی و حاجی سیدآقایی درباره اشکال ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم اشاره نشده است. در اینجا به اشکال ناشناخته دیگر می‌پردازیم.

۱.۴۴. د

یکی دیگر از صورت‌های نامعمول سوم شخص مفرد زمان گذشته «ت» (با -št به -šd). شواهد این صورت را مثلاً در منتخب رونق‌المجالس و بُستان‌العارفین و تحفة‌المُریدين (۱۳۵۴) می‌توان یافت:

چون زن از نماز فارغ گشت، شوهر دست وی بگرفت و نزدیک تنور آورد (ص ۲۴۳).

«شد» را در این جا به جای صورت معمول «شت» می‌توان با مثلاً dāšd «داشت» و minivišdim «می‌نوشتیم» و megzešd «می‌گذشت» و -kašd «کاشت» در خرده‌گوش‌های شمیران (Borjani, 2011 [2012], pp. 81-82) سنجید.

۲.۴۴. بیت

صورت «بیت» را برای شناسه دوم شخص جمع صادقی و حاجی سیدآقایی (۱۰۵§) فقط در زمان حال یافته‌اند. همین صورت در افعال گذشته نیز به کار برده شده است. برای نمونه در ترجمه - تفسیر حزقیال به فارسی به خطّ عبری: כרדית = کردیت و כרדית = نهادیت (Gindin, 2007, vol. 3, p. 126). همچنین در تاج‌الرؤوس و عزّ‌التفوس، اثری آموزشی درباره دستور زبان فارسی احتمالاً از سده هفتم هجری پدیدآمده در آسیای صغیر، درباره ساختن فعل جمع مخاطب در زمان گذشته آمده است: «اگر تایی و دالی در پس یاء زیاده کنی، باماله، دلالت کند بر جمع مخاطب؛ همچو شدیت یا شدید و کردیت یا کردید و گفتیت یا گفتید. این تا و دال ضمیر جمع مخاطب باشد» (نقل از صادقی، بهروز و چتینکایا، ۱۳۹۸، ص ۱۵۷).

برخی محققان مثلاً صادقی (۱۳۹۸)، پانوش ص ۶۲: «تبدیل شناسه دوم شخص جمع افعال از "ئید" به "ئیت" در متونی که در ماوراء‌النهر و شمال افغانستان نوشته شده‌اند نیز ظاهراً ناشی از همین گرایش [= بی‌واک شدن صامت‌های واگذار پایانی] است.» و شفیع کدکنی (۱۳۶۶)،

= شما گواهان من هیت [= هستید].

'b'd'n d'ryt wɿ^cty mn kwnyd.

= و پُر کنید زمین را و اندرگیریت، یعنی دنیا را به سوی شما [= به خاطر شما] آفریدم که او را آبادان دارید و طاعت من کنید.

از میان گویش‌های رایج در مرکز ایران نیز شناسه مورد نظر در مثلاً گویش زرتشتیان -it است چنانکه در ekerīt «بکنید» (Lorimer, 1916, p. 441).

در برخی از متون، چنانکه در شاهد اخیر («پُرکنید» به «د» ولی «اندرگیریت» به «ت») بین ید و یت نوسان هست. این نوسان در شعرى فارسى به خطّ عبرى از بخارا حتّى در موضع قافیه و هنگامی که آوای قبل از شناسه یکی است نیز دیده می‌شود:

بگفت ای مومنان یک دم گذاریت (گوذاریت)

شما هم از خدا اومید دارید (77)

(Salemann, 1897, p. 6)

۱. نک. صادقی، ۱۳۸۱، ص ۷. فعل «نیشیدن» در فارسی یهودی نیز آمده است (Asmussen, 1966, §b).

۲. نک. ذیل j'rtym در Shaked, 2003.

שְׁמָא דַּאִימּ בְּהִם דִּלְסַפּ בַּשִּׁיד (כְּאַשְׁיִד)
סֵר דְּשִׁמְנ בְּגֵרְדוֹן מֵטְרַשִׁית (מִתְּרַאשִׁית)

(Salemman, 1897, p. 13)

نوسان در صورت‌های یک شناسه در متن واحد و حتی جمله‌ای واحد در متون دیگر و میان صورت‌های دیگر نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در جمله زیر، صورت «معیار» (یا نزدیک به معیار) «یذ» و صورت عامیانه‌تر «ی» شناسه دوم شخص جمع در مجاورت هم به کار رفته است: اگر بکروید بخدای تعالی و دست ازین بت برستیدن بازداري و چندان سال محنت ایشان همی گشاید (ترجمه تفسیر طبری، دست‌نوشت شماره ۱۲۲، ص ۱۱۷پ).

همچنین، املاي «یـد» برای شناسه دوم شخص جمع مثلاً در «بخوارید» و «می‌شناسید» با فاصله‌ای میان «یـ» و «د» در نسخه‌ای از قصص الأنبياء نیشابوری (نقل از غلامرضائی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۵؛ «یـد» سهواً در نوشته او شناسه «سوم شخص جمع» دانسته شده) نیز احتمالاً راهی بوده که نوسان میان تلفظ گفتاری و رسمی در کتابت نشان داده شود.

۲۹۳

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۳۰۴۴.ین

برای سوم شخص جمع گذشته از جمله به صورت‌های «-ین» و «-ن» (an-) اشاره شده است، ولی می‌توان in- را نیز (از متنی فارسی یهودی از ناحیه بخارا) افزود:

רש"י המְתוֹר פִּירוּשׁ פֶּרְדִּין

= רשי [= רבי שלמה יצחקי، רבי שלומו اسحاق] همتور [= همین طور؟] فروش [= تفسیر] کردن.

(Bacher, 1902, p. 738)

דַּר פִּתְאֵבִי ... שְׁאֵן ... גִּלְגִּין פֶּרְמוּדִין

= در کتاب ... شان چنین فرمودن

(Bacher, 1902, p. 758)

شناسه سوم شخص جمع گذشته در متنی که شواهد را از آن نقل کردیم در تلفظ میان an- و in- در نوسان است (برای نمونه، אִיִּסְתָּאֲדִין با تلفظ istādin «استادند» و גּוּפְתִין guftin «گفتند» در برابر פֶּרְמוּדִין «فرمودند») (Bacher, 1902, p. 758). ولی جالب است که سوم شخص جمع

احترام، که شواهد آن پیش‌تر نقل شد («رشی ... فروش کردن.»)، همواره تلفظ *-in* دارد. باخر (Bacher, 1901, p. 251, fn. 1) به این نوسان اشاره کرده، ولی متوجه نکته‌ای نبوده که در اینجا دربارهٔ سوم شخص جمع احترام و اختصاص *-in* به آن گفتیم.

در میان نوشته‌های برجای مانده از یهودیان چند دههٔ گذشته از ناحیهٔ سمرقند و بخارا، شناسهٔ سوم شخص جمع در زمان گذشته *-in* و در حال *-an* است، برای نمونه، به ترتیب، در ۱۶۶۶ */kardin/* «کردند» و ۱۶۶۸ */gardan/* «گردند» (از متن چهارم منقول در ۲۰۲۵، p. 17). (Borjia, 2025, p. 17). شناسهٔ سوم شخص جمع زمان گذشته در دو موضع از یک متن تقریباً قدیم بلوچی نیز به صورت «ن» نوشته شده است:

Zāl ō haps hardun par yak šapā kaptin (L 2).

زائو و اسب (مادیان) هر دو به یک شب گفتن [لفظاً: افتادند؛ در این جا: زادند].

Pa-tākā čārit, ō ‘āšik subhatgō ōštātagin (L 19).

به طاق نگریست که [لفظاً: و] عاشقان (او) صحبتگو ایستادند [= به گفتگو مشغول بودند].

اما طابع متن، الفنباین (Elfenbein, 1961, p. 92)، در هر دو مورد، *-in* را به *-ant* تصحیح کرده است.

۴.۴۴. احتمالاً *-a* یا *-e*

در شاهد زیر، «ویستو شد» در معنا برابر «ویستو شدند» به کار رفته است و تلفظ «شد» را احتمالاً *šuda* یا *šude* می‌توان دانست، با *-e* یا *-a* در نقش شناسهٔ سوم شخص جمع زمان گذشته:

بدرستی که آنها که بیرویدند بموسی پس ویستو شدند [بعزیز] پس بیرویدند [بعیسی] پس ویستو شد پس بیفزودند نابرویدگی نشاید که که خدای [عزوجل] بیامرزد ایشان را و نه آنکه شان بنماید راهی (ترجمه و قصه‌های قرآن، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱۵۱).

قائل شدن به برابری «شد» با «شدند» در این مورد و تلفظ *šuda* یا *šude* برای آن در صورتی است که جملهٔ مورد نظر از آن دسته از شواهدی نباشد که در آنها شناسهٔ فعل در زنجیرهٔ دو یا چند فعل با فاعل یکسان حذف می‌شود (نک. Lazard, 1963, §§343-348). کوتاه شدن *-and* یا *-end*

را به -a یا -e در شاهد منقول می‌توان با تخفیف Vrd به V¹ در فلهویات از جمله در «بیه» [= ببرد] و «بکه» [= بکرد] (منقول در محمدی، ۱۴۰۰، ص ۸۸) و نیز در شیرازی قدیم مثلاً در «که» [= کرد] و «بیه» [= ببرد] (فیروزبخش، ۱۳۹۰، ص ۳۵۴) سنجید. افتادگی دو همخوان پایانی در شیرازی قدیم در صورت‌های صرف‌شده زمان مضارع نیز دیده می‌شود. این افتادگی در پایان احتمالاً از CVC- (سنج. dānēd «داند») آغاز شده و سپس با گذر از مراحل میانی CC- و احتمالاً C- به افتادگی کامل انجامیده است. مرحله میانی CC- از ضبط «داند» و «دُند» در ابیات شیرازی مثلثات سعدی (متن در صادقی، ۱۳۹۱، ص ۲۴ و نسخه بدل در پانوش ۱) و مرحله C- از «گن» [= گُند] در کازرونی قدیم (نک. صادقی، ۱۳۸۳، ص ۵) معلوم می‌شود. مرحله پایانی، که افتادگی کامل است، در گویش‌های فارس از جمله گویش‌های کازرون (mī-δū «می‌داند»؛ نقل در صادقی، ۱۳۸۳، ص ۵) دیده می‌شود.

منابع

ترجمه و قصه‌های قرآن: از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (۱۳۳۸). تصحیح یحیی مهدوی و مهدی بیانی. طهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ترجمه تفسیر طبری. دست‌نوشته شماره ۱۲۲. کتابخانه آستان قدس.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). مقدمه مصحح. در محمد بن منور میهنی، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید ابی الخیر (صص بیست و سه-دویست و سی و نه). تهران: آگه.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۱). گویش‌شناسی ایران بر اساس متون فارسی: گویش‌های مرکزی. مجله زبان‌شناسی، ۱۷(۱)، ۸-۲.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۳). گویش قدیم کازرون. مجله زبان‌شناسی، ۱۹(۱)، [۳۷ پیایی]، ۴۱-۱
[صادقی، علی‌اشرف (۱۴۰۲). بررسی گویش‌های ایرانی: نگاهی به گویش‌نامه‌ها و یادداشت‌هایی درباره چند گویش (ویراست دوم) (صص ۲۶۷-۳۱۰). تهران: کتاب بهار].

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۹۱). ابیات شیرازی سعدی در مثلثات. زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ۱، ۳۸-۵.

۱. V = مصوّت، در برابر C = همخوان.

۲. صادقی (۱۳۹۱، ص ۲۹) «گُند» شیرازی قدیم را (در «واکند» در بیت «چنان تَرْدُم دَوِت کت چون خو واگُند» / «...» در مثلثات سعدی) «فشرده‌شده گُند» دانسته است. به نظرم «گُند» را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان توجیه کرد و آن اینکه «گُند» را از «کاند» دانست (که مکرر در پیکره شیرازی به کار رفته) با تبدیل ān به on. «گُند» از «کاند» چنان است که «دُند» از «داند».

- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۸). تک، تک-تگ، گشتا، پرنون یا بزنون؟، شَمَل. فرهنگ نویسی، ۱۵، ۷۳-۵۵.
- صادقی، علی اشرف، بهروز، سیده زیبا و چتینکایا، گوک خان (۱۳۹۸). تاج الرؤوس و عزالنفوس: نخستین اثر در آموزش زبان فارسی با زیرنویس ترکی عثمانی (متعلق به سده هفتم هجری یا پیش از آن). مطالعات آسیای صغیر، ۸، ۱۳۹-۱۶۸.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۸۵). نقدی بر شیوه تصحیح قصص الانبیای نیشابوری. در سید علی آل داود (به کوشش)، ارج نامه حبیب یغمایی (صص ۳۷۸-۳۹۸). تهران: میراث مکتوب.
- فیروزبخش، پژمان (۱۳۹۰). دو غزل از شمس پُرس ناصر به گویش قدیم شیراز. ایران شناسی (دوره جدید)، ۲۳(۲)، ۲۶۲-۲۴۸.
- محمّدی، میثم (۱۴۰۰). فهلویات سفینه تبریز: قرائت و ترجمه اشعار، تحلیل لغوی و دستوری، به همراه مقدمه تحلیلی درباره خصوصیات آوایی و صرفی و نحوی فهلویات (رساله منتشر نشده). دانشگاه تهران.
- منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفة المُریدین (۱۳۵۴). تصحیح احمد علی رجائی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- Asmussen, J. P. (1966). Judaeo-Persica III: Vier ungewöhnliche Wörter aus der Genesisversion des jüdisch-persischen Vatikan-Pentateuchs. *Acta Orientalia*, 29(3-4), 247-251.
- Bacher, W. (1901). Jüdisch-Persisches aus Buchârâ. *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 55(2), 241-257.
- Bacher, W. (1902). Jüdisch-Persisches aus Buchârâ. *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 56(4), 729-759.
- Borjani, H. (2011 [2012]). Shemiran Dialect Group. In *Issues of Linguistics: International Volume of Articles Devoted to Professor Jemshid Giunashvili*. Tbilisi: Ivane Javakhishvili Tbilisi University Press.
- Borjani, H. (2025). Judeo-Persian Texts from Bukhara. In A. Korangy, A. & B. Mahmoodi-Bakhtiari (Eds), *The Handbook of Persian Dialects and Dialectology* (pp. 1-72). Singapore: Springer.
- Elfenbein, J. (1961). A Balūči text, with Translation and Notes. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 24(1), 86-103.
- Gindin, T. E. (2007). Ezekiel in Early Judaeo-Persian (Vol. 1: Text, Vol. 2: Translation, Vol. 3: Commentary). Vienna, Austria: Austrian Academy of Sciences Press.
- Lazard, G. (1963). *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*. Paris: Klincksieck.

Lorimer, D. L. R. (1916). XII. Notes on the Gabri Dialect of Modern Persian: A Commentary on the Account of the Dialect given in the *Grundriss der Iranischen Philologie*. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 48(03), 423-489.

Salemann, C. (1897). *Judaeo-Persica nach St.-Petersburger Handschriften: Chudâidât, ein jüdisch-buchârisches Gedicht*. St.-Petersbourg: Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg.

Shaked, S. (2003). Early Judaeo-Persian Texts, with Notes on a Commentary to Genesis. In L. Paul (Ed.), *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian: Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999* (pp. 195-219). Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.

کا. ۴۵

یکی از فهلویات میرمغیث الدین محوی همدانی (درگذشته ۱۰۱۶ هجری) که میرافضلی (۱۳۷۹، ص ۲۰، و بعداً در ۱۳۸۰، ص ۳۸) از نسخه‌ای از مجموعه رباعیات او نقل کرده چنین است:

مغیث! ارکاده این صحرا نکتی
وه این صحرای پُریهنا نکتی
چند کردی که روزد به شو آیه
بشه پایی بکن از پا نکتی

صادقی در تحلیل و شرح این دوبیتی (۱۳۷۹، ص ۲۳) نوشته است:

کلمه «ارکا» معلوم نیست چه کلمه‌ای است. «نکتی» ظاهراً باید «نکّتی» خوانده شود، از فعل «کَنَن» به معنی افتادن، از پهلوی kaftan. ... «ده» در مصراع اول بعد از «ارکا» یعنی «در» و «وه» در مصراع دوم ظاهراً مبدل «به» است. «پایی بکن» نیز در مصراع چهارم مبهم است. معنی دوبیتی چنین است: مغیث ... در این صحرا نیفتی. به (یا: در) این صحرای پریهنا نیفتی. چند کردی که روزت به شب بیاید؟ برو کوششی؟ بکن تا از پا نیفتی.

به نظر من، «ارکا» را باید متشکل از «ار» در معنای «اگر» و «کا» دانست، و این کلمه اخیر املائی ناقص «گا» است، یعنی همان فعلی که موضوع بخش ۳۹ شماره پیشین «نوشتگان» بود (نیز سنج. gā. برای زمان مضارع در چند گویش امروز از جمله در گویش ابیانه و ابوزیدآباد و قهرود).

«چند کردی» را نیز ممکن است بتوان به گونه «چن» [= چند] + «د» برابر شناسه دوم شخص مفرد (سنج. «د» در «روزد» و wd- در پارتی^۱) بگیریم و «کردی» را املای ناقص «گردی» بخوانیم:

مغیث! اگر خواهی / بایست در این صحرا نیفتی
به این صحرای پهناور نیفتی
چند گردی که روزت به شب آید [= روزت شب شود]
برو پایی بکن (؟)^۲ از پا نیفتی

با این قرائت، یک شاهد قدیم دیگر از فعل موردنظر از ناحیه ای دیگر به دست می آید.

دست‌نوشتی از خلاصه الاشعار تقی الدین کاشانی محفوظ در کتابخانه خدابخش هندوستان حاوی چندین دوبیتی از باباطاهر است. یکی از این دوبیتی‌ها چنین است:

اگر کامت کوا وش وندگی که
سرافرازی مکه افگندگی که
پنجه روزی تنت به مرگ نانه
وش تا جاودان زیونده [= زیونده‌ای] که

اکبری مفاخر، که این دوبیتی‌ها را بررسی کرده (۱۴۰۴)، مصراع نخست را به «اگر کامت فراهم است، شادمانه زندگی کن» (ص ۱۶) معنا کرده و «کوا» را «کو» (جمع، توده، خرمن غلات، کوه) + «ا» (است) خوانده و به نظر او ساخت «کوا» در دوبیتی موردنظر تحت تأثیر کردی به کار رفته است (ص ۱۷). این قرائت را نگارنده بسیار بعید و شواهدی که اکبر مفاخر در ادامه (عمدتاً از کردی) نقل کرده مؤید این قرائت و معنا نمی‌داند. به نظرم، «کوا» املای ناقص «گوا» ست و برابر با guwā یا gūā معادل «می» (بایست) (قیاس شود با guwā در گویش واران، که در شماره پیشین نقل شد). اگر قرائت پیشنهادی ما درست باشد، این شاهدی دیگر از فعل موردنظر در بازمانده‌های همدان خواهد بود.

ضمناً، «وش» را در مصراع نخست و پایانی اکبری مفاخر برابر waš گورانی معادل «خوش» (xwaš) می‌داند. ساده شدن -xw به -w در گورانی هست، ولی در سروده‌های باباطاهر چنین تخفیفی را

۱. نک. Sims-Williams, 1981, p. 172.

۲. شاید «بکن» در اینجا صورتی از «بفکن» باشد: پایی بکن = پایی بفکن «پایی بینه، اقدام کن».

نگارنده نمی‌یابد. xwēš با xw- در این سروده‌ها «خوش» است (سروده چهارم؛ منقول در مینوی، ۱۳۳۵) و xward «خورد» (سروده چهارم). بنابراین، احتمالاً باید به دنبال قرائتی دیگر بود. ممکن است «وش» برابر «بشو» در معنای «برو» باشد.

منابع

- اکبری مفاخر، آرش (۱۴۰۴). دوبیتی‌های باباطاهر در خلاصه الاشعار تقی‌الدین کاشانی. گویش‌شناسی و فرهنگ عامه، ۳(۱) [= ۵ پیاپی]، ۱-۴۲.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۹). توضیح درباره فهلویهای اصفهانی و همدانی. مجله زبان‌شناسی، ۱۱(۵) [= ۲۹ پیاپی]، ۲۱-۲۳.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۷۹). چند فهلوی ناشناخته. مجله زبان‌شناسی، ۱۱(۵) [= ۲۹ پیاپی]، ۱۸-۲۰.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۸۰). رونق دوبیتی در دوره صفوی. معارف، ۵۳، ۴۴-۲۹.
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۵). از خزاین ترکیه (۱). مجله دانشکده ادبیات [دانشگاه تهران]، ۴(۲)، ۴۲-۷۵.

Sims-Williams, N. (1981). Notes on Manichean Middle Persian Morphology. *Studia Iranica*, 10(2), 165-176.